



نامه‌ی سرود احترام

از طبع و خامه‌ی میرزا نصرالله صبوری آصفه‌سازنی

ویراستاران:
محمد رضا بهمنزادی، رضا کسروی، نصرالله کسروی



انتشارات چتر

کتاب نامه‌ی سرود اختران در زمستان ۱۳۹۸ شمسی، ۲۰۲۰ میلادی، با قلم B Nazanin Mitra ، B Mitra و wm.Nastaliq در ۵۰۰ نسخه بر روی کاغذ بالک ۶۳ گرمی سوئدی در تهران چاپ شده است.

● نامه سرود اختران

● نویسنده: میرزا نصرالله صبوری اصفهانی

● ویراستاران: محمدرضا بهزادی، رضا کسروی، نصرالله کسروی



● مدیر هنری: سعید صادقی ● صفحه‌آرا: مختار حدیدی ماسوله ● چاپ: سورنا ● زمستان ۱۳۹۸، چاپ اول
تیراژ: ۵۰۰ نسخه ● قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان ● حق چاپ محفوظ است.

انتشارات پرنده

● سرشناسه: کسروی، محمد، ۱۲۴۱-؟ - ۱۳۱۳. ● عنوان قراردادی: دیوان ● عنوان و نام پدیدآور: نامه سرود اختران / اثر طبع و خامه نصرالله صبوری اصفهانی؛ ویراستاران محمدرضا بهزادی، رضا کسروی، نصرالله کسروی ● مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرنده، ۱۳۹۸. ● مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.؛ مصور. ● شابک: ۷-۳۳-۸۹۵۵-۶۰۰-۹۷۸ ● وضعیت فهرست نویسی: فیپا ● یادداشت: کتابنامه. ● موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۲ ق. ● موضوع: Persian poetry -- 19th century ● شناسه افزوده: بهزادی، محمدرضا، ۱۳۶۵-، ویراستار ● شناسه افزوده: کسروی، رضا، ۱۳۵۵-، ویراستار ● شناسه افزوده: کسروی، نصرالله، ۱۳۲۹-، ویراستار ● رده بندی کنگره: PIR۷۳۲:۵۹۷۷۴۹۲ ● رده بندی دیویی: ۸۱/۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۷۷۴۹۲

● نشانی: تهران، خیابان آیت... طالقانی، خیابان برادران شهید مظفر شمالی، بن بست کیا، پلاک ۷، واحد ۲
● وبسایت: www.parandepub.ir ● ایمیل: info@parandepub.ir



فهرست

۹گزارش
۱۲خانواده صبوری:
۱۴آثار صبوری:
۲۶اخلاق و اوصاف صبوری:
۳۵وفات صبوری:
۳۶مشاغل دولتی، دیوانی و القاب صبوری:
۳۸بررسی شعر صبوری:
۴۴مشخصات نسخه‌ی خطی مجلد نخست دیوان صبوری [نامه‌ی سرود اختران]:
۴۵رسم الخط اصلی و نحوه‌ی ویراست نسخه‌ی نامه‌ی سرودِ اختران:
۴۷سیاسگزاری
۴۸فهرست منابع گزارش:
۵۱[دفتر اول]
۵۳نامه‌ی سرود اختران در توحید باری عزّ اسمُهُ
۵۳در طریق معرفت حق سبحانه
۵۴توحید دوم باری تعالی شأنه [العزیز]
۵۷توحید سوم باری تعالی عزّ اسمُهُ و جَلَّتْ کلمتُهُ و شأنه
۶۰مناجات اول
۶۲مناجات دوم
۶۳مناجات سوم

- ۶۵ مناجات چهارم
- ۶۶ مناجات پنجم
- ۶۸ مناجات ششم
- ۷۱ مناجات هفتم
- ۷۳ فی نعتِ النَّبِیِّ (ص)
- ۷۳ (نعتِ اول)
- ۷۵ نعتِ دویم
- ۷۶ خطاب به ساقی
- ۷۷ خطاب به مُعَنَى
- ۸۰ نعت سوم
- ۸۱ نعت چهارم
- ۸۸ در مژدهٔ صبحدم وصال گوید
- ۸۹ هم در این معنی در فصل بهار
- ۹۳ نعت هم در این معنی از زبان حال طیور و جوارح
- ۹۷ ایضاً نعت از زبانِ حالِ طیور، نوعِ دَگَز
- ۹۹ در سبب نظم کتاب
- ۱۰۲ آغاز داستان مناظرات انسان با اصناف حیوان بری و بحری
- ۱۰۳ گرد آمدنِ سرانِ جانوران به درگاهِ نخستین و خَش، خسرو دادبخش، گیومرز جهان رخس
- طرحِ مجادله ریختنِ شاهنشاهِ دادخواه، بین آدمیان و جانوران و نماینده خواستن از هر دو به داوری
- که قولهٔ تعالی العزیز: تَعَاوَنُوا بِالْعَدْلِ و الْإِحْسَانِ ۱۱۶
- فرستادنِ خداوند پیمبران به طلبِ دانشوران و گرد آمدن به درگاهِ شاهِ جهان و فراهم شدن نمایندهٔ
- جانوران ۱۱۷
- تاختن شتردر بر و بحرِ جهان به آگهی پادشاهان و به تعیین نمایندهٔ جانوران و فرستادن به داورستان،
- مر داوری آدمیان را ۱۱۸
- رسول فرستادنِ شیر سباع را ۱۱۹

- رسول فرستادنِ ازدها هوام را..... ۱۲۰
- رسول فرستادنِ زنبورِ عسل حشرات الارض را..... ۱۲۱
- رسول فرستادنِ نهنگِ جانورانِ آبی را..... ۱۲۴
- رسول فرستادنِ سیمرغِ طیورِ صیدی را..... ۱۲۵
- رسول فرستادنِ سلطانِ جوارح، عقابِ گردونِ جنابِ همای فرخنده راى را..... ۱۳۱
- مثال در این معنی..... ۱۳۶
- گرد آمدنِ وزرایِ مختار و سفرایِ اختیار به دربارِ معدلت‌مدار و آغازِ مناظرهٔ حیوان و انسان و داوری
شتر با حکیمِ حجاز..... ۱۴۱
- مناظرهٔ مور با حکیمِ شام..... ۱۴۸
- سخنِ مناظرهٔ روباه با حکیمِ تُرک..... ۱۵۵
- مناظرهٔ حکیمِ روم با عنکبوت..... ۱۶۴
- مناظرهٔ کشف با حکیمِ عراق..... ۱۷۰
- مناظرهٔ طاووس با حکیمِ هند..... ۱۹۰
- مناظرهٔ همایِ بلندپرواز با حکیمِ دانش پردازِ خراسان و انجامِ مشاجرهٔ جانوران (با آدمیان)؛ (مقدمه
به طریقِ رمز و اشاره)..... ۱۹۷
- اشاره به کوتاهیِ دستِ طبیعت از کارِ روزگار..... ۱۹۹
- کمرِ همتِ بستنِ همایِ همایونِ رایِ هوایِ سعادت‌پیمایِ به اوجِ نویسیره و مباحثه حکیمِ دانای
جهان‌آرایِ خراسانِ خورآسای..... ۲۰۰
- مناظره و مکابرهٔ همایِ بلندپروازِ کوتاه‌پرداز با حکیمِ دانش‌طرازِ خردآوازِ خراسانِ خورانداز..... ۲۰۴
- در صِفَتِ وزیرِ گوید: [.....]..... ۲۱۸
- تضمین از شعرِ نظامی..... ۲۲۲
- در شکایت از پیری و خزانِ بهارِ عمر..... ۲۲۳
- در نصیحت و اندرزِ یگانه فرزندِ خود فتح‌الله ادیبِ گوید: [.....]..... ۲۲۵
- دست‌گشادن و پای‌نهادن، کارِ نیرو کردن و نام‌نیکو برآوردن..... ۲۲۷
- اشاره به مقامِ وصول و ختمِ کتاب به محلِّ قبول، فرماید..... ۲۲۹

۸ • نامہی سرود اختران

- ۲۳۰ در تخلص و عزت شاد مقام سخن، فرماید
- ۲۳۲ در مناجات ربّ الارباب و ختم کتاب مستطاب [نامہ سرود اختران] فرماید
- ۲۳۳ پاسخ فرزند، پدرِ پیرِ خردمند را
- ۲۳۵ اسناد و تصاویر

گزارش

یکصد و شصت و اندی سال پیش از این؛ در روز آدینه، پنجم ذی‌قعدة‌ی سال ۱۲۷۹ قمری در گلشن اصفهان، شهر هنر و ادب و شعر و ذوق در خانواده‌ی مردی از رجال صاحب‌نام عصر خویش کودکی دیده به جهان گشود که هنوز پای از دوران شباب فراتر ننهاده، گوی بلاغت را با چوگان فصاحت خویش از هم عصرانش می‌ربود.

محمد مشهور به میرزا نصرالله خان کسروی و متخلص به صبوری، از شعرای اواخر قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری و چهارمین فرزند ذکور میرزا ابوطالب خان اصفهانی مشهور به عادل است؛ میرزا ابوطالب در جوانی وارد مناصب دولتی دستگاه حکومت قاجاریه شد و بعدها داخل اجزای امور دفتر خاصی ملک جهان خانم مهدعلیامادر ناصرالدین شاه قاجار شده و از اولیای تشکیلات وی در اصفهان گردید [۱۳].

به نظر می‌رسد می‌توان مهمترین دلیل تشکیل دفتر خانه‌ی مخصوص مادر شاه را در آنجا واقع شدن مقبره‌ی امیر قاسم خان قاجار قوانلو، پدر مهدعلی در قمشه (شهرضا) در هفتاد کیلومتری جنوب غربی اصفهان دانست. این مقبره به نظر می‌رسد در کنار مضجع شریف امامزاده سلطان شاهرضا (سلطان محمد رضا) در قمشه قرار گرفته بود که بعدها بر اثر گسترش و ساخت و تخریب بناهای اطراف آن، از میان رفته است.

امیر کبیر قاسم خان قاجار (ملقب به ظهیرالدوله)، داماد فتحعلی شاه و پسر امیر کبیر سلیمان خان قاجار قوانلو، از بزرگان ایل قاجار و از افراد متنفذ و رجال صاحب نام حکومت فتحعلی شاه است. وی در سال ۱۲۴۷ یا ۱۲۴۸ هجری قمری، زمانی که عازم فارس بود در مدت اقامت خویش در قمشه، شبی پس از میگزاری از بلندی به زیر افتاد و

جان سپرد [۵] و در جوار امام زاده شاهرضای قمشه مدفون گردید [۲۰]. بعدها به دستور مهد علیا برای وی مقبره‌ای در آن محل ترتیب داده شد و تولیت و مواجبه‌ی برای سرکشی و نگهداری آن تخصیص یافت.

میرزا ابوطالب عادل اصفهانی به سال ۱۲۸۷ هـ. ق. که برای سرکشی مقبره‌ی امیر قاسم خان رهسپار آن سامان بود، در قمشه بیمار شده و در گذشت و در امام زاده شاهرضا به خاک سپرده شد [۲۰].^۱

از طرف مادری نیز، مادر بزرگوارش خدیجه سلطان بیگم جابری انصاری، پس از طی چندین نیا، نسب شریفش به جابر بن عبدالله انصاری صحابی بزرگ پیامبر گرامی اسلام (ص) و از یاران امیر المومنین علی ابن ابیطالب (ع) می‌رسد [۲، ۴، ۷، ۸، ۱۲، ۲۰ و ۲۱]. محمد در چنین خاندانی با به عرصه‌ی هستی نهاد و در چنین محیطی نمو یافت. سالی پس از وفات پدر بزرگوارش^۲، مادر، وی و سایر خواهران و برادرانش را همراه خویش به تهران آورد. محمد در تهران تحت ارشاد و نظارت والده‌ی مکرمه و برادر بزرگترش، میرزا محمد حسین خان فخیم‌الملک^۳ تحصیلات عرفی و مکتبی خویش را آغاز نمود.

۱. خانواده‌ی پدری محمد همواره از ادوار گذشته از اعتبار ویژه و امتیاز خاصی برخوردار بوده‌اند که به ادعای صبوری مهم‌ترین آن اتصال ایشان به نیای بزرگشان، ملک الشعراء خواجه مجدالدین همگر (شاعر و سخن‌شناس قرن هفتم هجری (۶۰۷ تا ۶۸۶ ق) که در دربار اتابکان فارس منصب و لقب ملک الشعرائی داشته است.) از معاصرین اجل سعدی و از وی با چندین پشت به روایت اسناد معتبر و متعدد به خسرو اول ساسانی، کسری انوشیروان عادل را می‌توان بر شمرد [۲، ۱۲، ۲۰ و ۲۱]. بر اساس این ادعا خانواده‌ی میرزا ابوطالب عادل اصفهانی، خود را از نسل کسری انوشیروان (خسرو اول ساسانی) می‌دانستند. این ادعا هم به کزات در دیوان اشعار صبوری و همچنین در تذکره‌ی مدینه‌الادب اثر عبرت نائینی آمده است. علاوه بر اینها در آگهی اعلان نام خانوادگی «کسروی» توسط برادر بزرگتر صبوری - میرزا حسن خان معین‌دیوان هم مورد تأکید قرار گرفته است. اما مشخص نیست که صبوری بر اساس چه مستنداتی اتصال خود به انوشیروان را با واسطه‌ی مجد همگر می‌دانسته است. (روزنامه ایران؛ شماره‌ی ۳۵۶. ۱۲ جدی ۱۲۹۷ شمسی)

۲. در ۱۲۸۸ یا ۱۲۸۹ هجری قمری.

۳. جناب میرزا محمد حسین خان فخیم‌الملک، اولین فرزند ذکور میرزا ابوطالب عادل اصفهانی است.

در چهارده سالگی به آموختن زبان فارسی و مقدمات صرف و نحو ادبیات عرب مشغول شد؛ هم‌زمان از محضر عالمان دیگری نیز بهره برد و علم هیئت و هندسه‌ی قدیم و ریاضیات را هم فرا گرفت.

اساتید وی در آن دوران، در مقدمات و رسم الخط زبان فارسی آقا شیخ محمد رضا مازندرانی و میرزا ابراهیم ساوجی ملقب به نایب‌الصدر و متخلص به خلیل و در فنون شعر از عروض و قافیه و صنعت قصیده و غزل، میرزا احسین خان سلماسی متخلص به حضوری و میرزا محمد قمی ملقب به شمس‌الفصحاء و متخلص به محیط بودند [۲ و ۲۰].

وی در دوران نوجوانی از محضر ایشان بهره برد و توانست به مناسبت ذوق سرشار و طبع روان خویش در سرودن اشعار دلربا به مراتب عالی‌ه‌ای برسد. چیزی نگذشت و زمانی رفت که در قواعد نحو و اشتقاقات صرف و قوانین منطقی و محاسن بدیع و نکات معانی و دقایق بیان و اصول هندسه و میزان حساب و هیئت و برهین حکمت و فصول فقه و حجج اصول تبصری کلی یافت. نتیجه‌ی این کوشش‌ها، محمد جوان را مردی فاضل و شاعری زبردست از آب درآورد.

پس از به اتمام رسانیدن تحصیلات، در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، میرزا نصرالله وارد دستگاه دیوانی صدر اعظم وقت میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان گردید و مناصبی را نیز بدست آورد^۱ [۲] که امروزه از آنها اطلاع دقیق و مقرون به صحتی در دسترس نیست؛ همین قدر می‌دانیم که در آن سالها قصایدی چند در مدح مظفرالدین شاه سرود که مقبول طبع شاهانه واقع شده و مفتخر به دریافت صله گردید [۲ و ۱۲].

وی از اواسط عصر ناصری تا پایان سلطنت محمدعلی شاه قاجار در صندوقخانه وزارت دربار مشغول به کار بود. در سالنامه‌های دولت علیه ایران وی را *مستوفی اول دیوان اعلی و پیشکار کل صندوقخانه مبارکه در وزارت دربار اعظم* آورده‌اند [۱، ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۶].

۱. به طور کلی می‌توان اشاره کرد که رجال دیوانی خانواده کسروی و از جمله خود صبوری تحت حمایت حاجی امین‌السلطنه و برادر همسرش، میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان قرار داشتند. حاجی محمد علی خان امین‌السلطنه در اواخر عصر ناصری مدیر *دفترخانه مبارکه استیفا و صندوقدار و جامه دار خاصه و خازن مخزن تدارکات عسکر به دولت علیه* به شمار می‌آمد [۱، ۲، ۱۸ و ۱۹].